



University of Tehran Press

Town & Country Planning

Online ISSN: 2423-6268

Home Page: <https://jtcp@ut.ac.ir>

Analysis of Articles Published in the Journal "Land Planning" from Volume 1 to Volume 16

Amin Faraji^{1*} | Masoume Esmaeili Vardanjani² | Fateme Shafiee Alavije³

1. Corresponding Author, Department of land use Planning, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: a.faraji@ut.ac.ir

2. Department of land use Planning, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: esmaeili.masoume@ut.ac.ir

3. Department of land use Planning, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: Fatemeshafiee@ut.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:

Received: January 20, 2026

Revised: February 21, 2026

Accepted: February 24, 2026

Published online: September 22, 2026

Keywords:

Spatial planning,
Published articles,
Journal of Spatial Planning,
Farabi Campus,
University of Tehran.

ABSTRACT

Land-use planning or organizing the territory has attracted the attention of many countries in recent years. The present study aims to analyze the articles published in the Journal of Land-Use Planning (Amayesh-e Sarzamin) of Pardis Farabi, University of Tehran. This research is fundamental in purpose. The predominant approach in this study is inductive and it uses a qualitative method. The statistical population of the study [sic]. The data collection method of the research is library-based. By examining the journal's sixteen issues from 2009 to 2024 (1388–1403 in the Iranian calendar), four topics were evaluated: the research methods of the published articles in terms of quantitative, qualitative, or mixed approaches; the authors' affiliated universities; the article subjects; and the case-study regions of the articles. After the necessary data extraction, the obtained results were plotted as charts using Excel. The results showed that from the first to the latest issue of the journal, more than 60 percent of the articles were quantitative, while qualitative and mixed-method articles ranked next. Regarding the number of articles published across the sixteen issues, the University of Tehran has published the most articles in this journal, followed by Islamic Azad University, which has contributed articles in all issues. The most frequent topics published across the issues are, in order: sustainable development, theoretical topics, various urban topics, urban development, and location-allocation (site selection). Among the country's 31 provinces, Tehran province accounts for the highest number of articles published in the Journal of Land-Use Planning. After Tehran, Razavi Khorasan province ranks next with articles published in nine issues of the journal.

Cite this article: Faraji, A.; Esmaeili Vardanjani, M. & Shafiee Alavije, F. (2026). Analysis of Articles Published in the Journal "Land Planning" from Volume 1 to Volume 16. *Town and Country Planning*, 18 (1), 149-166. <http://doi.org/10.22059/jtcp.2026.409854.670548>



© Authors retain the copyright and full publishing rights.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jtcp.2026.409854.670548>

Publisher: University of Tehran Press.



انتشارات دانشگاه تهران

آمایش سرزمین

شاپا الکترونیکی: ۶۲۶۸-۲۴۲۳

سایت نشریه: <https://jtcp@ut.ac.ir/>

تحلیل روند و تبارشناسی مقالات مجله آمایش سرزمین (مورد: دوره اول تا دوره شانزدهم)

امین فرجی^{۱*} | معصومه اسماعیلی وردنجانی^۲ | فاطمه شفیعی علویجه^۳

۱. نویسنده مسئول، گروه برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: a.faraji@ut.ac.ir

۲. گروه برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: esmaeili.masoume@ut.ac.ir

۳. گروه برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: Fatemeshafiee@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۳۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۳۱

کلیدواژه:

تبارشناسی،

تحلیل روند،

دانشکدگان فارابی،

دانشگاه تهران،

مجله آمایش سرزمین.

آمایش سرزمین یا سروسامان دادن به سرزمین در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از کشورها قرار گرفته است. هدف پژوهش حاضر تحلیل مقالات منتشرشده در مجله آمایش سرزمین پردیس فارابی دانشگاه تهران است. این پژوهش از نظر هدف بنیادی است. رویکرد حاکم بر این تحقیق استقرایی به روش کیفی است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه مقالات شمارگان نخست تا شانزدهم بوده و روش گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای است. با بررسی دوره‌های شانزده‌گانه مجله، از سال ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۳، چهار موضوع: روش تحقیق مقالات انجام‌شده به لحاظ کمی یا کیفی یا ترکیبی، دانشگاه نویسندگان مقالات، موضوعات مقالات، و منطقه مورد مطالعه در مقالات، مورد ارزیابی قرار گرفت که پس از فیش برداری‌های لازم سرانجام نتایج به‌دست‌آمده با استفاده از نرم‌افزار اکسل به صورت نمودار ترسیم شد. نتایج نشان داد مقالات منتشرشده از ابتدا تا آخرین دوره مجله بیشتر از ۶۰ درصد به صورت کمی بوده است و مقالات کیفی و ترکیبی نیز در رتبه‌های بعدی قرار دارند. از نظر تعداد مقالات منتشرشده در دوره‌های شانزده‌گانه، دانشگاه تهران بیشترین تعداد مقالات را در این مجله به چاپ رسانده است و در رتبه بعدی دانشگاه آزاد اسلامی است که در همه دوره‌ها مقالاتی را به چاپ رسانده است. بیشترین موضوعاتی که در دوره‌های مختلف در این مجله به چاپ رسیده است به ترتیب شامل توسعه پایدار، موضوعات نظری، موضوعات مختلف شهری، توسعه شهری، و مکان‌یابی است. در میان ۳۱ استان کشور، استان تهران بیشترین مقالات چاپ‌شده در مجله آمایش سرزمین را به خود اختصاص داده است. پس از تهران استان خراسان رضوی با نه دوره مقالات منتشرشده در این مجله در جایگاه بعدی قرار گرفته است.

استناد: فرجی، امین؛ اسماعیلی وردنجانی، معصومه؛ شفیعی علویجه، فاطمه (۱۴۰۵). تحلیل روند و تبارشناسی مقالات مجله آمایش سرزمین (مورد: دوره اول تا دوره شانزدهم). *آمایش سرزمین*، ۱۸ (۱) ۱۶۶-۱۴۹. <http://doi.org/10.22059/jtcp.2026.409854.670548>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jtcp.2026.409854.670548>



مقدمه

سیر تحولات آمایش سرزمین در ایران و نگاه برنامه‌ریزان به تنسيق زمین به روایت اسناد و کتب برجای مانده به دوران بسیار قدیم در ایران بازمی‌گردد. اما نخستین جرقه‌های آمایش به شیوه مدرن به سال‌های ۱۳۱۶ و تشکیل شورای عالی اقتصاد بازمی‌گردد. به موازات اقدامات اجرایی و تبدیل شدن توزیع متوازن جمعیت و فعالیت به عنوان مسئله کلیدی در نظام کلان برنامه‌ریزی، موضوع آمایش در کشور پررنگ‌تر شد و بیش از پیش مورد عنایت قرار گرفت.

در سال‌های گذار و با ظهور نظام برنامه‌ریزی کلان توسعه، قبل و بعد از انقلاب اسلامی، دپارتمان‌های دانشگاهی نیز یک به یک توسعه یافتند و عصاره یافته‌های خود را در قالب مقاله در مجلات به انتشار رساندند؛ چنان که امروز بالغ بر ۶ مجله علمی با مجوز وزارت علوم در حوزه آمایش اقدام به نشر مقاله می‌کنند. اما آنچه در اذهان جامعه علمی و حرفه‌ای این حوزه مطرح و قابل بحث است اینکه مجلات به عنوان ویرترین نمایش دستاوردهای علمی بدنه دانشگاهی تا چه حد به مثابه یک موجود زنده به پدیدارهای بیرونی خود واکنش نشان می‌دهد؟ به واقع مجلات چقدر امر ملی را به صورت ملی مورد نظر دارند؟ و هزاران سؤالی که می‌تواند محل بحث در بستر تبارشناسی مجلات و مقالات باشد. این مقاله بنا بر بررسی روند چاپ مقالات در مجله آمایش سرزمین، به عنوان یکی از مجلات مهم در این حوزه، با رویکرد تبارشناسی دارد.

بیان مسئله

در دنیای امروز، مطالعه و تحلیل مسائل مربوط به آمایش سرزمین و توسعه شهری از اهمیت بسیاری برخوردار است. این موضوعات از اساسی‌ترین و پیچیده‌ترین مسائلی هستند که در حوزه معماری، شهرسازی، و طراحی شهری مورد توجه قرار می‌گیرند. آمایش سرزمین بخشی از جغرافیای کاربردی و یک شاخه میان‌رشته‌ای است که در آن کار جغرافی‌دانان، اقتصاددانان، برنامه‌ریزان، جامعه‌شناسان، اکولوژیست‌ها، و نظایر آن با هم گره خورده است و در آن یک آینده‌نگری صورت می‌گیرد (ثابتی و زبردست، ۱۴۰۲: ۱۲۸)؛ که این آینده‌نگری عبارت است از عینیت بخشیدن به مناسبات مشترک و وابسته به هم، در گذشته، حال و آینده (حجازی و حبیب‌زاده، ۱۴۰۳: ۱۰۷). آمایش سرزمین نوعی برنامه‌ریزی در زمینه توزیع متوازن و هماهنگ جغرافیایی همه فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی و معنوی در پهنه سرزمین بر اساس قابلیت‌ها و منابع طبیعی و انسانی و استفاده درست از قابلیت‌های سرزمین و سایر امکانات به اندازه توان است (گودرزی و حاجیانی، ۱۴۰۲: ۳).

بررسی سیر تحولات آمایش سرزمین طی سال‌های گذشته از این واقعیت حکایت دارد که موضوع عدم تعادل‌های منطقه‌ای و عدم استفاده از قابلیت‌های سرزمینی و به عبارتی توسعه‌نیافتگی بخش‌های وسیعی از کشور همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های برنامه‌ریزان، چه قبل چه بعد از انقلاب، بوده است. به همین دلیل نیز طی سال‌های گذشته اقدامات گسترده، چه در قالب طرح‌های مطالعاتی چه تدوین قوانین و مقررات، صورت گرفت. اما به دلایل مختلف این اقدامات عقیم ماند و کماکان موضوع آمایش سرزمین و توزیع عادلانه فعالیت‌ها و جمعیت در پهنه سرزمین در کانون توجهات برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران کشور قرار گرفته است (جعفریان و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۸).

بنابراین اهمیت مفهوم برنامه‌ریزی آمایش سرزمین به عنوان فرایندی پویا و منعطف و متناسب با ویژگی‌های فضایی و اقتصادی و انسانی مناطق مختلف کشورها باعث افزایش اهمیت آن به عنوان یک عامل کلیدی نزد صاحب‌نظران و پژوهشگران در کل جهان شده است (سجودی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳). محققان کشور ایران نیز از این قاعده مستثنا نبوده‌اند و هم‌زمان با پژوهش‌های جهانی مرتبط با موضوع ابعاد مختلف این مفهوم را بررسی کرده‌اند. با توجه به نقش پررنگ برنامه‌ریزی آمایش سرزمین در رفع نارسایی‌های نظام برنامه‌ریزی کشور، حرکت به سمت توسعه متوازن و پایدار، تحقق عدالت اجتماعی، و رونق اقتصاد غنی‌سازی پژوهش‌های این حوزه از اهمیت بسزایی برخوردار است (ذکی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۳). یکی از مجلات معتبر و معروف در این حوزه فصلنامه آمایش سرزمین است که بررسی و تحلیل مقالات و مطالب منتشرشده در این فصلنامه می‌تواند به توسعه دانش و پژوهش در این حوزه کمک شایانی کند. بررسی مقالات این مجله می‌تواند مشخص کند چه موضوعاتی در زمینه

آمایش سرزمین کشور بیشتر مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین هدف این پژوهش بررسی مقالات مجله آمایش سرزمین در پردیس فارابی دانشگاه تهران از بدو تأسیس تا کنون است.

این پژوهش در پی پاسخ به این سؤالات است:

سؤال کلیدی- تحلیلی: روندهای غالب در پژوهش‌های حوزه آمایش سرزمین ایران، با تأکید بر مجله تخصصی آمایش سرزمین، در بازه زمانی مورد مطالعه چه بوده و این روندها چه خلأها یا سوگیری‌های معرفت‌شناختی را در این حوزه آشکار می‌سازد؟

سؤالات فرعی- تحلیلی

- نحوه تولید علم: غلبه روش‌شناسی کمی بر پژوهش‌های این حوزه چگونه بر نوع پرسش‌های مطرح‌شده، ماهیت یافته‌ها، و قابلیت کاربرد آن‌ها در سیاست‌گذاری فضایی تأثیر گذاشته است؟
- ژئوپلیتیک دانش: تمرکز جغرافیایی شدید مطالعات بر استان تهران و غفلت نسبی از سایر مناطق چگونه بازتولیدکننده نابرابری‌های منطقه‌ای در دسترسی به منابع پژوهشی و امکان‌سازی برای توسعه متوازن است؟
- سیر تکامل موضوعی: تغییر سهم موضوعاتی مانند «توسعه پایدار»، «موضوعات نظری»، و «مکان‌یابی» در طول زمان چه تحولاتی را در اولویت‌ها و گفتمان مسلط حوزه آمایش سرزمین ایران نشان می‌دهد؟
- نقش نهادها: سلطه نهادی دانشگاه تهران در تولید مباحث این مجله چه مزایا و چه مخاطراتی (مانند یکسان‌سازی دیدگاه‌ها یا بی‌توجهی به زمینه‌های محلی) برای پویایی حوزه آمایش سرزمین به همراه داشته است؟

سؤالات تحلیل تبارشناسی (گفتمانی)

- گفتمان مسلط «آمایش سرزمین» در ایران چگونه از طریق مقالات مجله تخصصی آن در دو دهه اخیر تولید یا تثبیت یا به چالش کشیده شده است؟ چه مفاهیم، سوژه‌ها (انسان/ مکان)، و روابط قدرتی در این گفتمان بر ساخت شده‌اند؟

سؤالات فرعی تبارشناسانه

- بر ساخت مفهوم توسعه: مفهوم «توسعه پایدار» به عنوان پرتکرارترین موضوع در این مقالات با چه مؤلفه‌هایی (اقتصادی، محیط زیستی، اجتماعی) و با چه اولویت‌بندی تعریف شده است؟ کدام ابعاد آن حاشیه‌نشین شده‌اند؟
- بازنمایی فضا و مکان: استان‌ها و مناطق کشور در این مقالات چگونه بازنمایی می‌شوند؟ به عنوان «مشکل»، «موضوع مطالعه»، «منبع»، یا «سوژه‌ای دارای عاملیت»؟ این بازنمایی‌ها چه تأثیری بر سیاست‌های فضایی دارد؟
- نقش متخصصان: چگونه نویسندگان (عمدتاً دانشگاهی) از طریق این مجله جایگاه خود را به عنوان «کارشناسان قانونی» حوزه آمایش تثبیت کرده‌اند و روابط خود را با «سیاست‌گذار» و «جامعه محلی» تعریف می‌کنند؟
- گسست‌ها و تداوم‌ها: آیا می‌توان در مطالب این مجله نقطه‌عطف‌ها یا گسست‌هایی در نحوه نگاه به آمایش (مثلاً از نگاهی فنی-مهندسی به نگاهی اجتماعی-محیطی) شناسایی کرد؟ کدام رویدادهای سیاسی-اجتماعی با این گسست‌ها هم‌زمان بوده‌اند؟

مبانی نظری

پیدایش مقوله آمایش سرزمین، علاوه بر پیشینه کنجکاوانه بشر از آغاز خلقت تاکنون، همچنین حاصل نادرستی استفاده از سرزمین است. سرزمین یک منبع محدود و آسیب‌پذیر است؛ اما بسیاری از سودمندی‌های آن اگر درست مدیریت شود تجدیدشدنی است (میرمحمدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۶۴). آمایش سرزمین از تنظیم رابطه انسان، فضا، و فعالیت‌های انسان در فضا به وجود می‌آید. بر این اساس آمایش، به عنوان یک رویکرد، برخوردی است فضایی که توأمان از چهار ویژگی جامع‌نگری (جامعیت انضباط‌های اساسی توسعه)، کل‌گرایی (رعایت سطح راهبردی مباحث)، دورنگری (التزام به افق زمانی مشخص)، و

نتیجه‌گیری فضایی یا جغرافیایی (در حد جهت‌گیری‌های کلی بدون تعیین‌های مکانی) برخوردار است. بر اساس این ویژگی‌ها، آمایش سرزمین به عنوان یک سند مدیریت توسعه تصویر سازمان فضایی مرحله توسعه‌یافتگی سرزمین است (مختاری‌هش و همکاران، ۱۳۹۸: ۲).

آمایش سرزمین به معنای طراحی، توسعه، و حفظ فضاهای زندگی است که انسان و طبیعت در آن تعامل می‌کنند و به صورت هماهنگ و موازنه‌ای ترکیب شده‌اند. این مفهوم بیش از یک ساده‌نویسی جغرافیایی است؛ بلکه یک نگرش گسترده‌تر به زندگی و فضاهایی که در آن زندگی می‌کنیم و اعمال ما بر آن‌هاست. آمایش سرزمین نه تنها به زیبایی و طراحی زیستگاه‌ها اهمیت می‌دهد، بلکه بر تنوع فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی منطقه‌ها و تعامل آن‌ها با محیط طبیعی نیز تأکید دارد. این مفهوم به دنبال ایجاد جوامع پایدار و انسانی و محیط زیستی است که برای نسل‌های آینده حفظ شده و بهبود یافته است (بهرامی‌جاف و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۲).

رسالت اصلی آمایش سرزمین در نظام برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه کشور طرح‌ریزی نقشه راه توسعه بلندمدت و سازماندهی فضایی کشور در چارچوب تقسیم کار ملی و منطقه‌ای و بخشی است. به عبارت دیگر، آمایش سرزمین از طریق آینده‌نگاری توسعه سرزمین، سیاست‌گذاری، انتظام‌بخشی مناطق و بخش‌ها، و فرصت‌سازی بستر لازم را برای توسعه پایدار و متوازن فراهم می‌سازد (قربانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۸۲). بر اساس مواد قانونی برنامه‌های چهارم و پنجم و ششم توسعه کشور، استقرار نظام یکپارچه برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه سرزمینی و تنظیم روابط ارکان آن از اولویت‌های اصلی دولت‌ها بوده است. در این زمینه، تدوین طرح‌های آمایش ملی و منطقه‌ای و استانی بستر تعادل‌بخشی در سرزمین تلقی می‌شود. اگرچه اهمیت دادن به این موضوع نزد دولت‌ها، متأثر از طرز نگرش به آمایش سرزمین و پشتوانه‌های اجرایی آن، متفاوت بوده، رویکرد جدید در آمایش کشور بر چهار اصل آینده‌نگاری، انتظام‌بخشی مناطق، برقراری تعادل، و برنامه‌ریزی مشارکتی تأکید دارد (یزدان‌پناه درو، ۱۳۹۷: ۱۱).

آمایش سرزمین به عنوان یک مفهوم چندبُعدی و چندمرکزی به تعامل انسان با محیط زیست، تنوع فرهنگی و اجتماعی، توسعه پایدار، و ارتباطات بین افراد و جوامع توجه دارد. بنابراین، اهمیت آمایش سرزمین در ایجاد فضاهایی سالم و پایدار برای انسان و طبیعت آشکار است که نقش آن در شکل‌دهی به زندگی انسان و بهبود کیفیت زندگی اجتماعی حائز اهمیت است. آمایش سرزمین نیاز به همکاری و هماهنگی بین افراد، جوامع، و سازمان‌ها دارد تا با هم به حفظ و بهبود فضاهای زندگی خود بپردازند. این فرایند نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و استفاده از منابع طبیعی با هوشمندی و ارزیابی مداوم آثار و اثر انسان بر محیط زیست است. به عبارت دیگر، آمایش سرزمین درگیر طراحی و توسعه فضاهایی است که تأثیرات منفی بر محیط زیست کمترین میزان ممکن را داشته باشد و برای زندگی انسانی بهتر و پایدارتر ارائه شود (ثامنی و زبردست، ۱۴۰۱: ۱۲۸).

آمایش سرزمین نوعی هدایت و مدیریت راهبردی است (شفیعی رودپشتی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۹۶) که سعی می‌کند پیوندهای انسان با فعالیت‌هایش را در محیط و فضایی که در آن قرار دارد مورد مطالعه قرار دهد و با رعایت مسائل زیست‌محیطی و استفاده از منابع تجدیدپذیر و مقابله با روندهای مخرب محیط زیست سیستم فضایی پایداری را فراهم آورد و برنامه‌های توسعه فضایی بلندمدت و پایدار متکی بر مشارکت عمومی را عملی سازد (جوانشیری و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۹). آمایش سرزمین نوعی هدایت و مدیریت راهبردی است که سعی می‌کند پیوندهای انسان با فعالیت‌هایش را در محیط و فضایی که در آن قرار دارد مورد مطالعه قرار دهد و با رعایت مسائل زیست‌محیطی و استفاده از منابع تجدیدپذیر و مقابله با روندهای مخرب محیط زیست سیستم فضایی پایداری را فراهم آورد و برنامه‌های توسعه فضایی بلندمدت و پایدار متکی بر مشارکت عمومی را عملی سازد (Wang et al., 2023: 102). در واقع آمایش سرزمین بازتاب سرزمینی توسعه بلندمدت کشور است. نگرش آمایشی به ما کمک می‌کند تا بتوانیم از وسعت و پهنای سرزمین به منظور توسعه بلندمدت بهره‌برداری کنیم. اگر استراتژی «توسعه صنعتی» باشد نگاه آمایشی «تصرف» سرزمین و پخش کردن فعالیت در گستره جغرافیایی است. ولی اگر استراتژی به «پسا صنعتی» شدن نظر داشته باشد، در نگاه آمایشی پایداری محیط زیست و بازگشت به طبیعت اهمیت خواهد یافت (Ellis, 2021: 3).

به نظر برخی از متفکران، موضوع اصلی آمایش سرزمین مدیریت کشور است. صاحب‌نظران دیگری نیز، برحسب دیدگاه خود در بررسی پدیده‌ها، آمایش سرزمین را به گونه‌ای دیگر تعریف کرده‌اند. به نظر می‌رسد که به لحاظ مفهومی آمایش سرزمین برقراری تعادل بین عناصر سه‌گانه انسان و فضا و فعالیت است و سه مقوله مطرح در بحث آمایش سرزمین در ارتباط با این

عناصر سه‌گانه هستند؛ بدین صورت که در رابطه با عنصر انسان مقوله مدیریت مطرح می‌شود، در رابطه با عنصر فضا مقوله اقلیم، و در رابطه با عنصر فعالیت مقوله برنامه و برنامه‌ریزی (اکبری و همکاران، ۱۳۹۵: ۵).

اهداف آمایش سرزمین مختلف است و می‌تواند شامل ملاحظات ایمنی و دفاعی، کارایی و بازدهی اقتصادی، وحدت و یکپارچگی سرزمین، گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای، حفاظت محیط زیست و احیای منابع طبیعی، و رفع محرومیت‌ها باشد. در اغلب برنامه‌های آمایشی، این اهداف مورد توجه قرار می‌گیرد (Regasa et al., 2021). در شرایط کنونی کشور، به منظور دستیابی به اهداف یادشده در سند ملی آمایش سرزمین در افق ۱۴۲۴ ایفای نقش نهادها و بازیگران مختلف جهت اجرای سند بیش از پیش اهمیت دارد. عمل به وظیفه در خصوص وظایفی که سند ملی آمایش سرزمین بر عهده بازیگران متعدد گذاشته موجبات شکوفایی متنوع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی را فراهم می‌آورد و برعکس همان‌گونه که در شرایط حاضر مشاهده می‌شود کم‌کاری و سهل‌انگاری و سستی در این زمینه خسارت‌های جبران‌ناپذیری را در پهنه سرزمینی کشور به بار خواهد آورد. در تحقق اهداف سند، بازیگران مختلفی نقش‌آفرینی می‌کنند و همان‌گونه که مطرح شد پژوهشگران در این پژوهش به دنبال احصای بازیگران اصلی و برآورد میزان تأثیرگذاری و کارکرد آنان پس از تصویب و ابلاغ سند ملی آمایش سرزمین، به کمک تحلیل بازیگرمحور، بودند تا با تجزیه و تحلیل نتایج با رویکرد آینده‌پژوهانه و نگاه به وضعیت کنونی عملکردی بازیگران آینده پیش روی سند در افق ۱۴۲۴ را ترسیم کنند. در عرصه برنامه‌ریزی آمایش سرزمین پرداختن به آینده و اعمال دانش آینده‌پژوهی در این برنامه‌ریزی بدون شک کمک ژرفی به تحقق هر چه بیشتر و بهتر آمایش مناطق و موفقیت فرایند برنامه‌ریزی خواهد کرد. بهبود جایگاه و همچنین ارتقای دانش آینده‌پژوهی در فرایند برنامه‌ریزی آمایش سرزمین کمک وافری به اثربخشی برنامه‌ریزی آمایش سرزمین خواهد کرد (گودرزی و حاجانی، ۱۴۰۲: ۵).

با عنایت به مبانی نظری مستتر در مباحث آمایش سرزمین، این دانش در تلاش برای ایجاد و استقرار عدالت سرزمینی و توسعه متوازن و هم‌ساز در پهنه سرزمین است. در این زمینه تطبیق شکلی و محتوایی مقالات در مجله آمایش سرزمین هم از نظر تعداد، هم از نظر موضوع، هم از نظر گستره جغرافیایی نویسندگان، هم از منظر روش مورد توجه قرار گرفته است؛ تا از این طریق به درک مبانی اندیشه‌ای تبارشناسانه و تحلیل روندها و شناسایی سوگیری‌های معرفت‌شناختی و ساختاری در تولید دانش حوزه آمایش، کشف چگونگی شکل‌گیری، تثبیت و اثر گفتمان مسلط در حوزه آمایش و روابط قدرت نهفته در آن بپردازد. تحلیل محتوا به عنوان یک روش پژوهشی نظام‌مند برای توصیف عینی، کمی، و کیفی محتوای آشکار پیام‌ها به کار می‌رود. در این پژوهش، از تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی برای استخراج مضامین و کدها از مقالات مجله استفاده شده است. فرایند کدگذاری در سه مرحله کدگذاری باز، محوری، و انتخابی انجام گرفت. برای افزایش اعتبار یافته‌ها، از تکنیک بازبینی توسط همکاران و توافق بین کدگذاران استفاده شد. ضریب توافق کاپای کوهن میان دو کدگذار مستقل به میزان ۰.۸۷ محاسبه شد که نشان‌دهنده قابلیت اعتماد قابل قبول در فرایند کدگذاری است. این روش امکان کشف الگوها، سوگیری‌ها، و گفتمان‌های مسلط در تولید دانش آمایش سرزمین را فراهم می‌سازد.

روش تحقیق

این پژوهش با هدف بررسی مقالات مجله آمایش سرزمین در پردیس فارابی دانشگاه تهران از زمان تأسیس تا کنون، که ۱۶ دوره چاپ شده است، انجام شد. این تحقیق به لحاظ هدف جزء مقالات بنیادی است. رویکرد حاکم بر این تحقیق رویکرد استقرایی با روش کیفی است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه مقالات شمارگان نخست تا شانزدهم مجله بوده و روش گردآوری اطلاعات تحقیق از نوع کتابخانه‌ای است. با بررسی دوره‌های مختلف مجله، از سال ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۳، چهار موضوع روش تحقیق مقالات انجام‌شده به لحاظ کمی یا کیفی یا ترکیبی، دانشگاه نویسندگان مقالات، موضوعات مقالات، و منطقه مورد مطالعه مقالات، مورد ارزیابی قرار گرفت که پس از فیش‌برداری‌های لازم سرانجام نتایج به‌دست‌آمده با استفاده از نرم‌افزار اکسل به صورت نمودار ترسیم شد. اما در بخش تحلیل روند و تبارشناسی (جدول ۱) بر اساس روش گلوله برفی ۱۳ نفر از خبرگان حوزه آمایش سرزمین به عنوان نمونه مورد مصاحبه قرار گرفتند و حجم اشاره‌شده بر اساس قاعده اشباع نظری تعیین شد.

جدول ۱. روش تحقیق: از تحلیل کتاب‌سنجی تا تحلیل گفتمان

عنصر روش‌شناسی	روش اصلی مقاله (سطح توصیف)	روش تحلیل سطح ۱ (تحلیل انتقادی کتاب‌سنجی)	روش تحلیل سطح ۲ (تحلیل تبارشناسانه / گفتمان)
هدف پژوهش	توصیف و ارائه آمار از مقالات مجله در چهار متغیر: روش، موضوع، نویسنده، منطقه	تحلیل روندها و شناسایی سوگیری‌های معرفت‌شناختی و ساختاری در تولید دانش حوزه آمایش	کشف چگونگی شکل‌گیری، تثبیت، و اثر گفتمان مسلط در حوزه آمایش و روابط قدرت نهفته در آن
پارادایم حاکم	پسااثبات‌گرایی: با رویکردی عینی به دنبال استخراج واقعیت‌های قابل مشاهده و شمارش است.	انتقادی: مفروضات، قدرت، و ایدئولوژی نهفته در پشت روندهای به‌ظاهر عینی و طبیعی را به چالش می‌کشد.	ساخت‌گرای اجتماعی / تفسیری: واقعیت را برساخت‌شده اجتماعی و گفتمانی می‌داند و به معنا، زبان، و قدرت در شکل‌گیری آن توجه دارد.
طرح تحقیق	طرح توصیفی-پیمایشی مبتنی بر تحلیل محتوای کمی	طرح تحلیل محتوای کمی-کیفی تلفیقی با رویکرد انتقادی	طرح تحلیل گفتمان یا تبارشناسی کیفی.
جامعه و نمونه	جامعه: تمامی مقالات ۱۶ دوره مجله آمایش سرزمین نمونه: تمام سرشماری	همان جامعه و نمونه سطح قبل، اما، واحد تحلیل از «مقاله» به الگوها و روندهای فراتر از تک‌مقالات تغییر می‌یابد.	جامعه و نمونه مشابه، اما واحد تحلیل «گفتمان»، «مفاهیم کلیدی»، و «روابط بازنمایی‌شده» در مجموعه مقالات است.
روش گردآوری داده	کتابخانه‌ای-اسنادی: فیش‌برداری سیستماتیک از مقالات بر اساس چهار متغیر از پیش تعیین‌شده	علاوه بر فیش‌برداری اولیه، نیازمند مستندسازی بافت مقالات (زبان به کاررفته، چارچوب‌های نظری غالب، غایبان گفتمان) است.	خوانش انتقادی و عمیق متون: تمرکز بر زبان، استعاره‌ها، تقابل‌های دوتایی (مثلاً پیشرفته/عقب‌مانده)، سکوت‌ها و حذف‌شده‌ها در مقالات.
روش تحلیل داده	توصیف آماری ساده: شمارش، درصدگیری، ترسیم نمودار در اکسل	۱. تحلیل روند: بررسی تغییرات در طول زمان. ۲. تحلیل ارتباط: بررسی همراهی متغیرها (مثلاً رابطه بین روش تحقیق و موضوع). ۳. تفسیر انتقادی: ارتباط دادن الگوهای کمی با مبانی معرفت‌شناختی و ساختارهای قدرت.	۱. تحلیل گفتمان: بررسی چگونه ساختن واقعیت از طریق زبان. ۲. تحلیل تبارشناسی: ردگیری تاریخ مفاهیم کلیدی و گسست‌ها. ۳. تحلیل نشانه‌شناسی: بررسی دال‌ها و مدلول‌ها در متن.
معیارهای اعتبار	قابلیت اعتماد: تکرارپذیری شمارش با کدگذاری مشخص. روایی ظاهری: تناسب متغیرها با سؤالات ساده	اعتبار تفسیری: ارائه شواهد متقن از متن برای ادعاهای تحلیلی. شفافیت روش: توصیف دقیق گام‌های تفسیر از داده به تحلیل.	اعتبار: غنای توصیف، بررسی توسط همپایان، انسجام درونی تحلیل. بازتابندگی: تصریح جایگاه پژوهشگر و پیش‌فرض‌هایش.
خروجی تحلیل	آمار توصیفی: نمودارها و جداول فراوانی. پاسخ به سؤالات «چه کسی؟ چه چیزی؟ کجا؟»	تحلیل انتقادی: شناسایی سوگیری‌ها، خلأها، و تناقضات، پاسخ به سؤال «چرا این الگوها وجود دارند و چه پیامدی دارند؟»	رؤییم‌های حقیقت، برساخت‌های اجتماعی و مکانیسم‌های قدرت. پاسخ به سؤال «این دانش چگونه واقعیت را می‌سازد و چه کسی از این سازندگی سود می‌برد؟»
نقش پژوهشگر	خنثی: جمع‌آورنده و گزارش‌دهنده عینی داده‌ها	نقاد اجتماعی: روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان	گفتمان: روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان

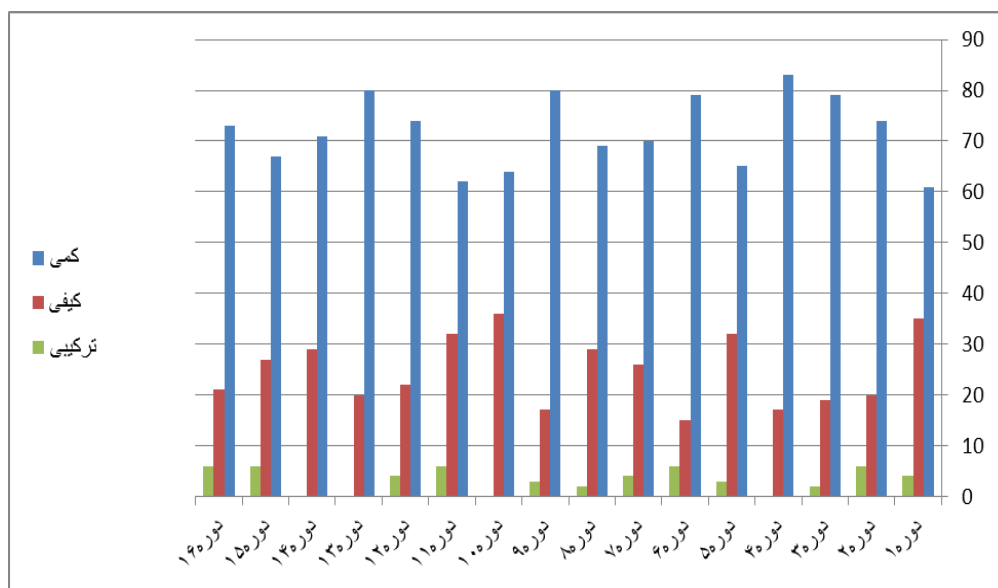
یافته‌های عینی

در این مطالعه با توجه به کیفیت تحقیق، یافته‌ها در چهار موضوع مشتمل بر روش تحقیق مقالات، دانشگاه نویسندگان، موضوع مقالات و منطقه مورد مطالعه، دسته‌بندی شد که در ادامه به هر یک به صورت مجزا پرداخته می‌شود.

فراوانی روش تحقیق (کیفی، کمی، ترکیبی)

بررسی‌های صورت‌گرفته از شانزده دوره مقالات مجله آمایش سرزمین از ابتدای چاپ مقالات در مجله تا آخرین شماره چاپ‌شده بیانگر این است که در همه دوره‌ها تعداد مقالاتی که به صورت کمی چاپ شده‌اند نسبت به مقالاتی که روش تحقیق آن‌ها کیفی یا ترکیبی بوده بیشتر بوده است. در دوره اول ۶۱ درصد مقالات کمی، ۳۵ درصد کیفی، ۴ درصد نیز ترکیبی از روش کمی و کیفی بوده است. مقالات کمی تا دوره چهارم رشد چشمگیری داشته است به نحوی که در دوره چهارم ۸۳ درصد از مقالات کمی بوده است که این مقدار در میان شانزده دوره چاپ مجله بیشترین درصد را به خود اختصاص داده است. از دوره پنجم تعداد

مقالات کمی کاهش نسبی داشته به نحوی که در این دوره ۱۸ درصد کاهش را شاهد هستیم و به ۶۵ درصد رسیده است. در ادامه نیز مقالات کمی در دوره‌های مختلف شاهد کاهش و افزایش بوده است و سرانجام در آخرین دوره به ۷۳ درصد رسیده است. مقالات کیفی نیز در آخرین دوره درصد چشمگیری از مقالات مجله را به خود اختصاص داده است با ۳۵ درصد و در دوره‌های بعد کاهش زیادی داشته است تا اینکه در دوره دهم به جایگاه اولیه خود در دوره اول می‌رسد و در آخرین دوره نیز به ۲۷ درصد رسیده است. مقالات ترکیبی که در مجموع در همه دوره‌ها درصد بسیار کمی را به خود اختصاص داده است در هیچ دوره‌ای بیشتر از ۶ درصد نبوده است و در همه دوره‌ها بین ۰ تا ۶ درصد متغیر بوده است (شکل ۱).



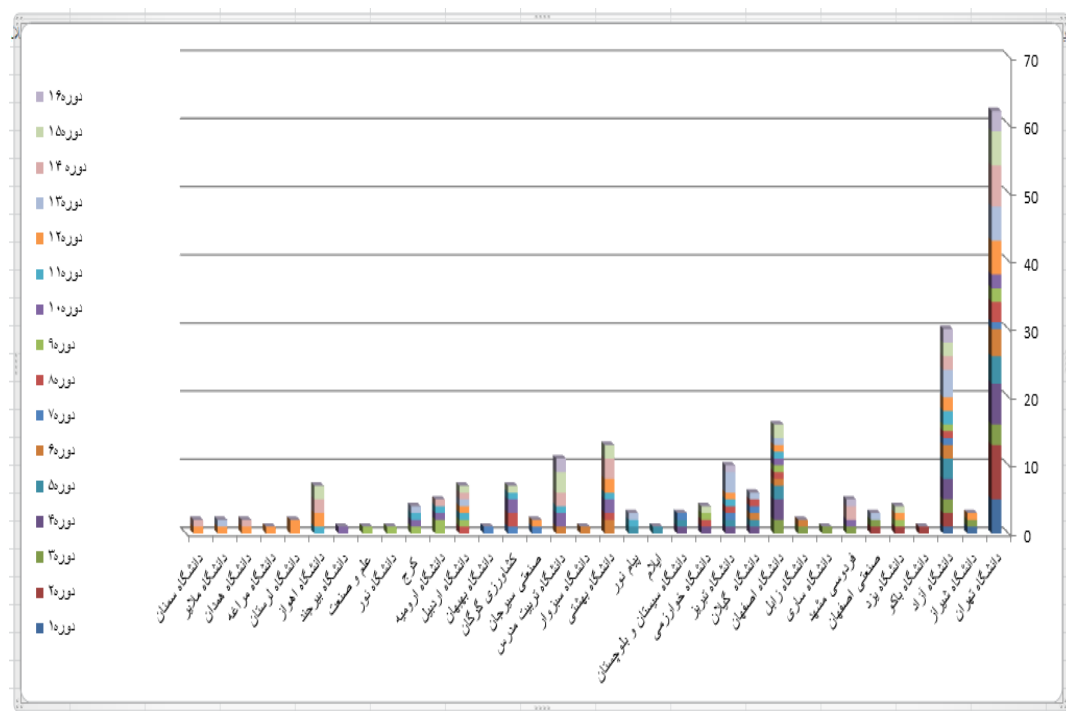
شکل ۱. فراوانی روش تحقیق در مقالات انجام شده در دوره‌های اول تا شانزدهم مجله آمایش سرزمین

دانشگاه نویسندگان

در بررسی دانشگاه نویسندگان مقاله‌های مجله آمایش سرزمین از دوره اول تا دوره شانزدهم مشاهده می‌شود که ۳۵ دانشگاه تاکنون مقالاتی را در این مجله به چاپ رسانده‌اند که نشان‌دهنده اهمیت این مجله در بین دانشگاه‌های کشور است. در اولین دوره از شماره‌های این مجله دانشگاه تهران بیش از ۷۰ درصد از مقالات مجله را به خود اختصاص داده است و تنها دو دانشگاه دیگر یعنی دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه شیراز مقالاتی در این شماره به چاپ رسانده‌اند. در دوره دوم بر تعداد دانشگاه‌هایی که در این مجله مقاله به چاپ رسانده‌اند اندکی افزوده شده است که باز هم ۶۶ درصد از تعداد مقالات منتشر شده مربوط به دانشگاه تهران است. در آخرین شماره منتشر شده نیز دانشگاه تهران از نظر تعداد مقالات منتشر شده در دوره‌های شانزده گانه دانشگاه تهران بیشترین تعداد مقالات را در این مجله به چاپ رسانده است و در رتبه بعدی دانشگاه آزاد اسلامی است که در همه دوره‌ها مقالاتی را به چاپ رسانده است. دانشگاه‌های اصفهان، شهید بهشتی تهران، و تربیت مدرس تهران نیز در رتبه‌های بعدی قرار دارند. کمترین تعداد مقالات به چاپ رسیده در دوره‌های مختلف نیز به دانشگاه علم و صنعت، دانشگاه پیام نور، دانشگاه زابل، دانشگاه یزد، و دانشگاه سبزوار اختصاص یافته است (شکل ۲).

از منظر بسیاری از اندیشمندان حوزه آمایش تعدد چاپ مقاله در دانشگاه تهران به این دلیل است که اولاً این دانشگاه رشته قوی آمایش سرزمین در دانشکده جغرافیا را دارد و ثانیاً استقبال بیشتر از مجله آمایش سرزمین در گرایش‌های مختلف مدیریتی و سایر رشته‌ها در دانشگاه تهران منطقی است؛ اما نکته مهم این است که پرداخت ویژه به این امر به‌ویژه در نواحی دارای سطح توسعه کمتر به موازات بسیاری از شاخص‌های توسعه از منظر دسترسی به داده و ارائه یافته علمی نیز دچار چالش جدی است. بنابراین رهاشدگی سرزمینی نوعی رهاشدگی موضوعی را نیز به همراه دارد. چون نویسندگان و محققین به جهت غامض بودن

دسترسی فضایی در نواحی مذکور و سهولت دسترسی به داده در مرکز تمایل بیشتری به نگارش مباحث مرتبط با مرکز دارند و این مهم با تمرکز ویژه در دانشگاه‌های شهر تهران اتفاق می‌افتد.



شکل ۲. فراوانی دانشگاه نویسندگان در مقالات انجام شده در دوره‌های اول تا شانزدهم مجله آمایش سرزمین

موضوعات مورد مطالعه

در بررسی موضوعات مورد مطالعه در دوره‌های شانزده گانه مشاهده می‌شود که موضوعات مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است که به صورت کلی هجده موضوع در این شانزده دوره در این مجله به چاپ رسیده است. در دوره اول مجله، مقالات مربوط به آمایش سرزمین در کشورهای مختلف بیشترین تعداد مقالات چاپ شده را به خود اختصاص داده است و بعد از آن مقالاتی که به بررسی توسعه پایدار، موضوعات نظری، و موضوعاتی که به بررسی برنامه‌ریزی فضایی در کشورهای مختلف پرداخته‌اند چاپ شده است. در دوره دوم مقالاتی با عنوان برنامه‌ریزی فضایی در کشورها نسبت به سایر مقالات پیشی گرفته است و بیشترین درصد مقالات چاپ شده را به خود اختصاص داده است. در مجموع در دوره‌های شانزده گانه بیشترین موضوعاتی که در دوره‌های مختلف در این مجله به چاپ رسیده است به ترتیب شامل توسعه پایدار، موضوعات نظری، موضوعات مختلف شهری، توسعه شهری، و مکان‌یابی است. همچنین موضوعاتی که در دوره‌های مختلف کمترین درصد مقالات چاپ شده را به خود اختصاص داده است به ترتیب شامل آمایش سرزمین در کشورهای مختلف، صنایع تبدیلی، و کاربری اراضی است (شکل ۳).

منطقه مورد مطالعه

در بررسی منطقه مورد مطالعه در مجله آمایش سرزمین که در دوره‌های شانزده گانه به چاپ رسیده است علاوه بر اینکه تمام ۳۱ استان در این مجله مقالاتی از آن‌ها به چاپ رسیده است دو موضوع نظری و کشورهای خارجی نیز در این مجله مقالاتی داشته‌اند. موضوعات نظری با پانزده دوره مقالات منتشر شده به عنوان بیشترین تعداد مقالاتی که در دوره‌های مختلف به چاپ رسیده شمرده می‌شود. استان تهران با دوازده دوره مقالات منتشر شده دومین رتبه را از نظر منطقه مورد مطالعه به خود اختصاص داده است. به عبارت دیگر در میان ۳۱ استان کشور استان تهران بیشترین مقالات چاپ شده در مجله آمایش سرزمین را به خود اختصاص داده است. پس از تهران استان خراسان رضوی با ۹ دوره مقالات منتشر شده در این مجله در جایگاه بعدی قرار گرفته است. همچنین تعدادی از استان‌ها تنها در یک دوره از شماره‌های این مجله مقالاتی را به چاپ رسانده‌اند. استان‌های قزوین،

(دوره‌های ۵ تا ۱۰) کاهش نسبی مقالات کمی و افزایش مقالات کیفی مشاهده می‌شود. از نظر موضوعی، «توسعه پایدار» به عنوان موضوع مسلط در تمامی دوره‌ها حضور پررنگی دارد. اما از دوره دهم به بعد موضوعات «عدالت فضایی» و «مشارکت اجتماعی» نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. از منظر جغرافیایی، تمرکز بر استان تهران در تمامی دوره‌ها مشهود است. اما از دوره هشتم به بعد مطالعات مربوط به استان‌های خراسان رضوی، اصفهان، و فارس نیز افزایش یافته است. به منظور تحلیل و برآیند بررسی‌های انجام‌شده، با عنایت به مصاحبه انجام‌شده با متخصصین، در ابتدای امر یافته مصاحبه‌ها بر اساس روش تحلیل مضمون به قرار جدول شماره ۲ ارائه شده است و در ادامه به تحلیل آن‌ها پرداخته می‌شود.

جدول ۲. خروجی نهایی تحلیل مضمون: مضامین، کدها، استاندارد به متخصصان (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۴)

مضمون اصلی	مضمون فرعی	تعریف (هسته مرکزی دیدگاه)	نمونه‌هایی از کدهای اولیه	متخصصان
سلطه پارادایم اثبات‌گرا و حاشیه‌نشینی رویکردهای تفسیری	هژمونی روش کمی	دانش معتبر آمایش منحصر از طریق روش‌های کمی و عینی تولید می‌شود و سایر رویکردها کمتر معتبر تلقی می‌شوند.	تنها راه علمی آمار و مدل بوده است. مقاله کیفی چندان مقبول نیست. تسلط عدد و رقم وجود دارد.	P2, P5, P7, P9, P11
	کم‌رنگی پژوهش کیفی / ترکیبی	روش‌های کیفی که برای فهم زمینه، معنا، و فرایندها ضروری هستند در حوزه آمایش نقش حاشیه‌ای دارند.	کیفی کار کردن سخت است. تحلیل محتوا و مصاحبه جایی ندارد. ترکیبی‌ها پیچیده هستند.	P1, P3, P8, P13
	غفلت از پیچیدگی‌های کیفی	مسائل پیچیده‌ای چون عدالت، هویت، و قدرت که ذاتاً کیفی هستند در پژوهش‌های کمی‌گرا نادیده گرفته می‌شوند یا ساده‌انگاری می‌شوند.	عدالت فضایی را نمی‌توان فقط با شاخص سنجید. بُعد فرهنگی فراموش می‌شود.	P4, P6, P10, P12
مرکزگرایی - جغرافیایی - نهادی و تولید دانش ناهم‌بستر	مرکزگرایی نهادی	تولید دانش و تعیین اولویت‌های پژوهشی در انحصار معدود دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های کلان‌شهری (به‌ویژه تهران) است.	"قدرت شهر تهران در تسلط دانشی نیز اثرگذار بوده است.	P1, P5, P9, P10, P11, P13
	تمرکز جغرافیایی مطالعات	استان تهران به سوژه اصلی مطالعات میدانی تبدیل شده و سایر مناطق کشور سهم ناچیزی در توجه پژوهشی دارند.	همه پایان‌نامه‌ها درباره تهران است. دسترس‌پذیری داده در تهران و حمایت از مطالعات در تهران بیشتر است.	P2, P3, P6, P7, P8, P12
	حذف صدا و دانش محلی	دانش بومی، تجربیات محلی، و مسائل خاص مناطق در فرایند تولید دانش رسمی نادیده گرفته می‌شود.	صدای مردم محلی بسیار کم اثر است. مسئله ما در مقالات تعریف نمی‌شود.	P4, P6, P8, P12
تقلیل مفهومی و غفلت از ابعاد سیاسی-اجتماعی آمایش	تقلیل «توسعه پایدار»	این مفهوم غنی به شاخص‌های فنی-کالبدی (مانند فضای سبز سرانه) تقلیل یافته و ابعاد اجتماعی، اقتصادی، و نهادی آن کم‌رنگ است.	توسعه پایدار یعنی همان پارک‌سازی. بُعد معیشتی مردم فراموش شده.	P3, P7, P10, P13
	کم‌توجهی به عدالت فضایی و مشارکت	توزیع ناعادلانه منابع و فرصت‌ها بین مناطق و نیز لزوم مشارکت فعال ذی‌نفعان از کانون توجه پژوهش‌ها دور است.	آمایش باید از عدالت شروع کند. مردم فقط موضوع مطالعه هستند، نه شریک.	P1, P4, P6, P9, P12
	برجسته‌سازی مسائل کلان نظری	مباحث انتزاعی و کلان‌نگر در اولویت هستند، درحالی‌که مسائل عملیاتی و فوری مناطق مورد غفلت قرار می‌گیرند.	همه در فضای انتزاعی حرف می‌زنند. مسئله روز مناطق در مجلات مطرح نمی‌شود.	P2, P5, P8, P11
تثبیت گفتمان تکنوکراتیک و نقش متخصص به عنوان مهندس اجتماعی	طبیعت‌سازی دانش فنی	این تصور ایجاد شده که راه‌حل‌های فنی-مهندسی تنها و «طبیعی»‌ترین پاسخ به مسائل فضایی هستند.	هر مشکلی یک راه‌حل فنی دارد. برنامه‌ریزی یک علم دقیق است.	P5, P7, P9, P11
	انحصارگرایی حرفه‌ای	جامعه متخصصان با ایجاد مرزهای زبانی و روشی سخت امکان مشارکت رشته‌ها و دیدگاه‌های دیگر را محدود می‌کند.	تثبیت اصطلاحات. نظرات جامعه‌شناسان کم‌رنگ است.	P1, P3, P10, P13
	رابطه یک‌سویه متخصص-سیاست‌گذار	متخصص خود را در موضع «دانش‌آور» و سیاست‌گذار را در موضع «اجراکننده» می‌بیند، نه در یک رابطه گفت‌وگومحور.	نگاه دانای کل در مرکز همواره اقدام به نسخه‌پیچی برای پیرامون کرده. گفت‌وگو با دولت یک‌طرفه است.	P2, P4, P6, P8, P12



شکل ۵. چالش تولید دانش در مجله آمایش سرزمین (نگارندگان، ۱۴۰۴)

در پاسخ به سؤال کلیدی این مقاله، یعنی شناسایی روندهای غالب و خلأها و سوگیری معرفت‌شناختی در پژوهش‌های حوزه آمایش سرزمین ایران، با تأکید بر مجله تخصصی آمایش سرزمین، در بازه زمانی مورد مطالعه و نیز پاسخ به سؤالات فرعی این بخش می‌توان بر اساس وضعیت چاپ مقالات در ۱۶ شماره به قرار زیر موارد را به عنوان تحلیل ارائه کرد:

الف) شناسایی و توصیف روندهای غالب (چیستی)

- روش‌شناسی اثبات‌گرایانه مسلط: روند روشنی از سلطه پایدار روش‌شناسی کمی در تمامی دوره‌ها مشاهده می‌شود. این نشان‌دهنده هژمونی پارادایم اثبات‌گرایی در پژوهش‌های این حوزه است. در این پارادایم، واقعیت‌های فضایی و اجتماعی عینی و قابل اندازه‌گیری فرض شده و هدف پژوهش کشف قوانین عام و روابط علی از طریق آزمون فرضیه است.

- تمرکز نهادی و جغرافیایی متمرکز: روند پایدار دیگر تمرکز شدید هم‌زمان نهادی و جغرافیایی است. از یک سو، دانشگاه تهران به عنوان یک نهاد مرکزی سهمی نامتناسب (تا ۷۰ درصد در دوره‌های اول) در تولید دانش دارد. از سوی دیگر، استان تهران به عنوان کانون مطالعات میدانی بیش از سایر مناطق مورد توجه قرار گرفته است. این دو روند احتمالاً یک‌دیگر را تقویت می‌کنند.

- غلبه گفتمان «توسعه» و انتزاع نظری: از نظر موضوعی، روند غالب معطوف به مقولات کلی و کلان‌نگر مانند «توسعه پایدار» و «موضوعات نظری» است. این نشان می‌دهد گفتمان مسلط در مجله، بیش از آنکه معطوف به حل مسائل عینی و بومی مناطق خاص باشد، درگیر مباحث انتزاعی توسعه و نظریه‌پردازی عمومی است. موضوعاتی مانند «کاربری اراضی» و «صنایع تبدیلی» که ماهیت فنی- عملیاتی و پیوند نزدیک با زمینه محلی دارند کمترین سهم را داشته‌اند.

- روند کم‌رونق پژوهش‌های کیفی، ترکیبی، و انتقادی: سهم ناچیز و راکد روش‌های کیفی و به‌ویژه ترکیبی (هرگز از ۶ درصد فراتر نرفته) نشان می‌دهد رویکردهای تفسیری، ساخت‌گرا، و انتقادی که می‌توانند به درک پیچیدگی‌های زمینه‌ای، ادراکات ذی‌نفعان، و روابط قدرت در فضا بپردازند در حاشیه قرار دارند.

ب) کشف خلأها و سوگیری‌های معرفت‌شناختی (پیامد و جرایبی)

این روندهای غالب سوگیری‌های عمیق معرفت‌شناختی زیر را در تولید دانش حوزه آمایش سرزمین آشکار می‌سازد:

- سوگیری به سمت «کمیت‌گرایی» و ساده‌انگاری پدیده‌های فضایی- اجتماعی: غلبه روش کمی منجر به تقلیل مسائل پیچیده، چندبعدی، و کیفی آمایش سرزمین (مانند عدالت فضایی، هویت مکانی، مشارکت اجتماعی، تضاد منافع) به

متغیرهای قابل اندازه‌گیری و آمارهای رسمی شده است. این نگاه ابعاد فرهنگی، ادراکی، و سیاسی آمایش را نادیده می‌گیرد و دانش تولیدشده را از واقعیت‌های غنی و پیچیده مناطق دور می‌سازد.

- سوگیری «مرکز-پیرامون» و تولید دانش ناهم‌بستر^۱: تمرکز هم‌زمان بر نهاد مرکزی (دانشگاه تهران) و فضای مرکزی (تهران) نشان‌دهنده یک سوگیری جغرافیایی و نهادی در تولید دانش است. این امر چند خطر معرفت‌شناختی ایجاد می‌کند:

• دانش ناهم‌بستر: مسائل و راه‌حل‌های پیشنهادی ممکن است انعکاسی از دغدغه‌ها و شرایط ویژه مرکز باشند و قابلیت تعمیم و اجرا در بافت‌های گوناگون پیرامونی (از کردستان تا سیستان) را نداشته باشند.

• حذف صداهای محلی: سلطه نهادی مرکز احتمالاً به معنای حذف یا کم‌رنگ شدن نقش دانشگاه‌های محلی، پژوهشگران بومی، و دانش محلی در تولید مباحث علمی این حوزه است. در نتیجه، دانش تولیدشده ممکن است فاقد بینش عمیق نسبت به زمینه‌های محلی باشد.

- سوگیری به سمت «نظریه‌پردازی کلی» و غفلت از «عمل‌گرایی بومی»: غلبه موضوعات انتزاعی نظری و توسعه پایدار کلی در کنار کم‌رنگی موضوعات کاربردی مانند آمایش مناطق مرزی یا روستایی یا محروم نشان می‌دهد گفتمان علمی این حوزه ممکن است بیشتر درگیر مباحث جهان‌شمول و انتزاعی باشد تا پرداختن به مسائل عینی، فوری، و خاص ایران و مناطق مختلف آن. این یک شکاف خطرناک بین نظریه و عمل در حوزه‌ای ذاتاً کاربردی مانند آمایش را نشان می‌دهد.

- سوگیری علیه پارادایم‌های جایگزین و چندصدایی: کم‌رنگی روش‌های کیفی و ترکیبی فضایی یک‌صدا و کم‌تنوع را در مباحث روش‌شناختی ایجاد کرده است. این امر امکان نقد درونی پارادایم مسلط، طرح پرسش‌های بدیع، و رویارویی با ابعاد پیچیده‌تر مسائل فضایی را محدود می‌کند. حوزه آمایش که ذاتی میان‌رشته‌ای دارد نیازمند تکرر روش‌شناختی است که این آمار آن را تأیید نمی‌کند.

و اما در بستر تبارشناسی نیز در پاسخ به سؤال «گفتمان مسلط آمایش سرزمین در ایران چگونه از طریق مقالات مجله تخصصی آن در دو دهه اخیر تولید یا تثبیت شده یا به چالش کشیده شده است؟ چه مفاهیم، سوژه‌ها (انسان/ مکان)، و روابط قدرت در این گفتمان بر ساخت شده‌اند؟» می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که مجله آمایش سرزمین به عنوان یک دستگاه حقیقت‌ساز عمدتاً در خدمت تثبیت و طبیعی‌سازی یک گفتمان نخبه‌گرا، تکنوکراتیک، و مرکز‌گرا از آمایش بوده است. این گفتمان دانش آمایش را به مثابه دانشی فنی-مهندسی و برنامه‌ریزانه بر ساخته که توسط متخصصان مرکز تولید و برای مناطق پیرامونی (به عنوان سوژه‌های منفعل) تجویز می‌شود. گسست یا چالش عمده‌ای در این گفتمان مشاهده نمی‌شود، بلکه شاهد بازتولید پایدار آن هستیم.

در خصوص بر ساخت مفهوم توسعه این گزاره که «مفهوم توسعه پایدار به عنوان پرتکرارترین موضوع در این مقالات با چه مؤلفه‌ها و با چه نوع اولویت‌بندی تعریف شده است؟ کدام ابعاد آن حاشیه‌نشین شده‌اند؟» می‌توان گفت:

- بر ساخت یک توسعه کمی و فیزیکی: غلبه روش کمی و موضوعات کلانی مانند «توسعه شهری» و «مکان‌یابی» نشان می‌دهد «توسعه پایدار» در این گفتمان عمدتاً به ابعاد فیزیکی-کالبدی و اقتصادی تقلیل یافته است. شاخص‌های اندازه‌گیری، رشد زیرساخت‌ها، و بهره‌وری فضایی برجسته می‌شوند.

- حاشیه‌سازی ابعاد اجتماعی و سیاسی توسعه: ابعاد کیفی، مشارکتی، و عدالت‌محور توسعه پایدار (مانند توزیع عادلانه منافع توسعه، حفظ سرمایه اجتماعی، حق شهروندی در فضا) که نیازمند روش‌های کیفی و تحلیل گفتمان است به حاشیه رانده شده‌اند. «پایداری» بیشتر به عنوان یک ویژگی فنی سیستم‌ها دیده می‌شود تا یک فرایند اجتماعی-سیاسی مورد مناقشه.

- طبیعی‌سازی یک الگوی خاص: تکرار این الگوی تقلیل‌گرا آن را به تنها «حقیقت» قابل قبول و علمی در حوزه آمایش تبدیل کرده است. بدین ترتیب، هر گونه خوانش جایگزین از توسعه (مثلاً توسعه مبتنی بر اقتصاد غیر رسمی، توسعه بوم‌محور، یا توسعه مبتنی بر مقاومت اجتماعی) به عنوان غیر علمی یا حاشیه‌ای طرد می‌شود.

در بستر بازنمایی فضا و مکان و اینکه «استان‌ها و مناطق کشور در این مقالات چگونه بازنمایی می‌شوند؟ به عنوان «مشکل»، «موضوع مطالعه»، «منبع»، یا «سوژه‌ای دارای عاملیت»؟» موارد زیر قابل طرح و بررسی است:

- بازنمایی فضا به مثابه «موضوع مطالعه» و «مسئله»: تمرکز مقالات بر استان‌های خاص (به‌ویژه تهران) و پرداختن به «منطقه مورد مطالعه» فضاها را به سوژه‌های منفعل دانش تبدیل می‌کند. آن‌ها «اشیایی» هستند که باید اندازه‌گیری، تحلیل، و توسط مرکز «مدیریت» شوند. این نگاه، عاملیت ساکنان و نهادهای محلی و تاریخ خاص مکان را نادیده می‌گیرد.

- سلسله‌مراتب فضایی برساخت‌شده: تمرکز قاطع بر مرکز (هم به عنوان موضوع مطالعه و هم مکان تولید دانش) یک سلسله‌مراتب فضایی را طبیعی جلوه می‌دهد: مرکز به عنوان «مرکز عقلانیت، پیشرفت، و دانش» و سایر مناطق به عنوان «پیرامون نیازمند مطالعه، برنامه‌ریزی، و توسعه». این روابط قدرت فضایی در خود ساختار دانش تولیدشده بازتولید می‌شود.

- حذف روایات محلی: کمبود مقالات کیفی که به صدای مردم محلی، روایت‌های ایشان از مکان، و تعاریف خودشان از «توسعه» پردازد نشان می‌دهد «حقیقت» درباره یک منطقه تنها از منظر بیرونی و عینی متخصصان قابل شناخت است. این یک قدرت اپیستمیک^۲ به مرکز می‌دهد که حق تعریف کردن از دیگران را برای خود محفوظ می‌دارد.

به تعبیر هاروی در تحلیل تثبیت دانش مدرن در تسلط نئولیبرال می‌توان نقش متخصصان را با این گزاره که «چگونه نویسندگان (عمدتاً دانشگاهی) از طریق این مجله جایگاه خود را به عنوان «کارشناسان قانونی» حوزه آمایش تثبیت کرده‌اند؟» به تحلیل زیر پرداخت:

- انحصار روش علمی: با تثبیت روش کمی به عنوان معیار طلایی علمی بودن، جامعه دانشگاهی (به‌ویژه دانشگاه‌های بزرگ مرکز) انحصار تولید «دانش معتبر» را در دست می‌گیرند. زیرا تسلط بر این روش‌ها و داده‌های کلان ملی عمدتاً در اختیار این نهادهاست.

- زبان تخصصی به عنوان ابزار قدرت: تمرکز بر «موضوعات نظری» و تولید مباحث پیچیده دانشگاهی یک مرز بین متخصصان و غیر متخصصان (سیاست‌گذاران عمومی، مردم محلی) ایجاد می‌کند. این زبان تخصصی سازکاری برای حفظ اقتدار اپیستمیک است.

- شبکه قدرت نهادی: سلطه آماری دانشگاه‌های بزرگ دیگر یک شبکه قدرت نهادی را نشان می‌دهد که گردش ایده‌ها، داوری مقالات، و تعریف مسائل مهم را کنترل می‌کند. این شبکه گفتمان مسلط را از طریق مکانیسم‌هایی مانند رد مقالات با رویکردهای رادیکال یا کیفی محض تثبیت می‌کند.

برآیند این نوع تفکر فضایی منجر شده متخصصان دانشگاهی در این مجله خود را نه به عنوان تسهیلگر گفت‌وگوی بین ذی‌نفعان بلکه به عنوان «مهندسان اجتماعی» بر سازند که «حقیقت» فنی فضای سرزمینی را می‌دانند و موظف به طراحی و تجویز راه‌حل برای آن هستند.

با عنایت به موارد ذکر شده می‌توان به تحلیل گسست‌ها و تداوم‌ها در مجله پرداخت. در این رابطه این پرسش که آیا می‌توان در ادبیات این مجله نقطه‌عطف‌ها یا گسست‌ها را در نحوه نگاه به آمایش شناسایی کرد؟ قابل طرح است و بر اساس داده‌ها تداوم آشکار است تا گسست. روندهای غالب از دوره اول تا شانزدهم به طور قابل توجهی پایدار مانده‌اند:

- نهادینه شدن عمیق گفتمان: گفتمان تکنوکراتیک-مرکزگرا به قدری نهادینه شده که حتی نوسانات اندک در درصد روش‌ها یا موضوعات نیز خللی در منطق بنیادین آن ایجاد نمی‌کند.

- فقدان بحران معرفت‌شناختی: حوزه آمایش ایران با یک بحران یا رویداد بزرگ فکری که پارادایم مسلط را به چالش بکشد (مانند جنبش‌های اجتماعی فضا محور، فجایع زیست‌محیطی بزرگ، یا تحولات نظری رادیکال در جغرافیای سیاسی) مواجه نشده است که در صفحات مجله بازتاب یابد.

– گسست احتمالی کوچک: تنها نشانه یک تنش یا گسست خفیف را می‌توان در کاهش سهم مقالات کمی از اوج و افزایش نسبی مقالات کیفی در مقطعی از زمان دید. این نشان‌دهنده ظهور آهسته صدای جایگزینی از درون خود نظام دانشگاهی است که خواهان توجه به ابعاد کیفی است. اما این صدا هنوز به قدرت کافی برای ایجاد دگرگونی گفتمانی نرسیده و در دل همان نهادها و روش‌های پیشین در حال جذب است.

نتیجه

کلان روایت‌ها و میراث اندیشه‌ای در هر جامعه علمی عموماً خود را در قالب انتشارات مکتوب و چندرسانه‌ای نمایش می‌دهد. روایت مجله آمایش سرزمین نیز به مانند تریبون قدرت نوعی از هم‌رسانی در تولید عدالت‌خواهی و شنیده شدن صدای پیرامون جغرافیایی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، و دانشی است. دیالکتیک مقاله و کنشگران عرصه تولید دانش به صورت مقاله با بهره‌گیری از امتیاز دسترسی به داده، نزدیکی جغرافیایی، نزدیکی اقتصادی، و ... بازتولید نابرابری را این بار در تولید مقاله رقم می‌زنند؛ در عین حال که از دیدگاه ساختاری نیز توجه به مجله و مقالات منتشرشده در آن به مانند یک موجود زنده باید نسبت به تحولات و مسائل روز جامعه واکنش نشان دهد و اقدام به تجویز کند.

این مقاله به جهت پرداخت انتقادی به موضوع مقالات چاپ‌شده در حوزه آمایش سرزمین به‌ویژه مقالات ارسالی به مجله آمایش سرزمین از چند منظر واجد نتایج مشخص است. نخست اینکه روایت اندیشمندان مارکسیسم و نئومارکسیسم در خصوص تولید و بازتولید نابرابری و تشدید آن در وجوه مختلف در بازتاب مقالات چاپ‌شده نیز بیانگر این مهم است؛ در عین حال که دانش آمایش سرزمین بر اساس آنچه در این مجله بازنمود یافته هنوز بلوغ نظری و فلسفی و روش‌شناسی خود را طی نکرده است. بنابراین نوعی تسلط دیدگاه پوزیتویستی و کمی‌گرایانه بر نگاه کیفی و پست‌مدرن وجود دارد. چارچوب‌های گاه فاقد تحلیل‌های عمیق غیر محیطی در عمده مقالات وجود دارد و مقالات نمی‌توانند هنر خلق دانش پویا را ارائه کنند.

هدف این پژوهش تحلیل مقالات منتشرشده در مجله آمایش سرزمین پردیس فارابی دانشگاه تهران بوده است که به صورت یک ادبیات نظام‌مند صورت گرفته است. از آنجا که موضوع آمایش سرزمین در سال‌های اخیر توجه بسیار زیادی را به خود در کشور جلب کرده است و مسئولان امر به نوعی در پی آن هستند تا نابرابری‌های منطقه‌ای را به نحوی برطرف کنند، پژوهش‌های علمی مرتبط با موضوع آمایش سرزمین می‌تواند به مسئولان مربوطه در زمینه شناخت بهتر موانع و مشکلات موجود بر سر راه آمایش سرزمین کمک کند و راهکارهای مناسب به آن‌ها ارائه دهد. بنابراین با توجه به اینکه مجله آمایش سرزمین به صورت تخصصی در زمینه آمایش سرزمین مقالات مختلفی را به چاپ می‌رساند لازم است مشخص شود این مقالات تا چه اندازه توانسته‌اند هم‌سو با اهداف آمایش سرزمین و سیاست‌های کلی نظام مطالعاتی را انجام دهند. بنابراین باید این مجله از این حیث و مقالات منتشرشده در آن مورد ارزیابی قرار می‌گرفت. در این پژوهش چهار موضوع فراوانی روش تحقیق از حیث کمی یا کیفی بودن مقالات، نویسندگان مقالات، موضوعات مقالات، و منطقه موردی مقالات منتشرشده بررسی شده است.

نتایج پژوهش نشان داده است که اکثریت مقالات در همه دوره‌ها بیشتر به روش کمی انجام شده است و می‌توان گفت که حداقل در همه دوره‌ها بیش از ۶۰ درصد مقالات به صورت کمی و در خوشبینانه‌ترین حالت، که در دوره اول و دوره دهم بوده است، بیش از ۳۰ درصد مقالات به صورت کیفی بوده‌اند و در دوره‌های دیگر اکثراً کمتر از ۳۰ درصد بوده است. از نظر تعداد مقالات منتشرشده در دوره‌های شانزده‌گانه دانشگاه تهران بیشترین تعداد مقالات را در این مجله به چاپ رسانده است و در رتبه بعدی دانشگاه آزاد اسلامی است که در همه دوره‌ها مقالاتی را به چاپ رسانده است. دانشگاه‌های اصفهان، شهید بهشتی، تهران، و تربیت مدرس تهران نیز در رتبه‌های بعدی قرار دارند. کمترین تعداد مقالات به‌چاپ‌رسیده در دوره‌های مختلف نیز به دانشگاه علم و صنعت، دانشگاه پیام نور، دانشگاه زابل، دانشگاه یزد، و دانشگاه سبزوار اختصاص یافته است. نتایج به‌دست‌آمده در این زمینه نشان‌دهنده این است که دانشگاه تهران در زمینه آمایش سرزمین فعالیت‌های بسیار خوبی را آغاز و توجه زیادی به موضوع آمایش سرزمین کرده است و دانشگاه‌های دیگر کمتر به موضوع آمایش سرزمین پرداخته‌اند که به نظر می‌رسد با توجه به اینکه دانشگاه تهران به عنوان مادر دانشگاه‌های کشور شناخته می‌شود و این دانشگاه ارتباطات تنگاتنگی با مسئولان و برنامه‌ریزان کشوری دارد بیشتر به آمایش سرزمین توجه شده است.

در دوره‌های شانزده گانه بیشترین موضوعاتی که در دوره‌های مختلف در این مجله به چاپ رسیده است به ترتیب شامل توسعه پایدار، موضوعات نظری، موضوعات مختلف شهری، توسعه شهری، و مکان‌یابی است. همچنین موضوعاتی که در دوره‌های مختلف کمترین درصد مقالات چاپ‌شده را به خود اختصاص داده است به ترتیب شامل آمایش سرزمین در کشورهای مختلف، صنایع تبدیلی، و کاربری اراضی است. نتایج به‌دست‌آمده در این رابطه بیانگر این است که دانشگاهیان به‌خوبی دریافته‌اند که توسعه پایدار مهم‌ترین پارادایم قرن بیست و یکم است و تا زمانی که توسعه پایدار محقق نشود بسیاری از معضلات و مشکلات در شهرها و روستاها برطرف نخواهد شد و توسعه شهری و روستایی محقق نمی‌شود. از نظر منطقه مورد مطالعه نتایج نشان داد که موضوعات نظری با پانزده دوره مقالات منتشرشده به عنوان بیشترین تعداد مقالاتی که در دوره‌های مختلف به چاپ رسیده است شناخته می‌شود. استان تهران با دوازده دوره مقالات منتشرشده دومین رتبه را از نظر منطقه مورد مطالعه به خود اختصاص داده است. نتایج به‌دست‌آمده بیانگر این است که موضوع آمایش سرزمین در استان تهران بیش از سایر استان‌ها مورد توجه قرار گرفته است و بسیاری از استان‌ها کمتر یا توجه ناچیزی به این موضوع داشته‌اند.

مجله آمایش سرزمین در این ۱۶ شماره کمتر صحنه چالش گفتمانی و بیشتر صحنه تثبیت و بازتولید یک رژیم حقیقت خاص بوده است. این رژیم حقیقت آمایش را به یک مسئله فنی، عاری از تنش سیاسی، و قابل مدیریت مرکزی تبدیل می‌کند. در این فرایند، فضاها تهی از تاریخ و عاملیت، انسان‌ها به داده و متغیر، و متخصصان مرکز به سوژه‌های شناسای مقتدر بدل شده‌اند. تحلیل تبارشناسانه هشدار می‌دهد که این گفتمان مسلط با حذف تکثر و منازعه و زمینه‌مندی ممکن است نه تنها در حل نابرابری‌های فضایی ناکام بماند، بلکه خود به ابزاری برای تداوم نظم مرکز-پیرامون و طبیعی‌سازی دیدگاه‌های خاص تبدیل شود. برای دگرگونی، نیاز به ایجاد «گسست» از طریق ورود صداها و حذف شده، مسئله‌سازی مفاهیم مسلط، و به چالش کشیدن روابط قدرت نهفته در دانش به‌ظاهر بی‌طرف آمایش است.

در نتیجه، این پژوهش نشان می‌دهد دانش تولیدشده در یکی از مجلات اصلی حوزه آمایش، با وجود حجم کمی قابل توجه، دارای انقباض معرفت‌شناختی و جغرافیایی است. برای آنکه این دانش بتواند به رسالت ذاتی خود، یعنی هدایت به سوی توسعه متوازن و عادلانه و زمینه‌محور، بهتر عمل کند نیازمند یک بازنگری پارادایمی است. این بازنگری مستلزم تشویق به تکثر روش‌شناختی (به‌ویژه روش‌های ترکیبی و کیفی)، تقویت کانون‌های پژوهشی در مناطق مختلف کشور، اولویت‌دهی به مطالعات موردی عمیق و مسئله‌محور، و مهم‌تر از همه گشودن فضا برای شنیدن صداها و روایت‌ها و دانش‌های به‌حاشیه‌رانده‌شده در فرایند برنامه‌ریزی سرزمینی است. تنها از این طریق می‌توان امید داشت که دانش آمایش، به جای بازتولید نابرابری‌ها، به ابزاری رهایی‌بخش و توانمندساز برای تمامی ساکنان این سرزمین تبدیل شود.

این پژوهش با تلفیق روش‌شناسی سه‌سطحی (تحلیل کتاب‌سنجی کمی، تحلیل روند انتقادی، تحلیل تبارشناسانه گفتمانی) به بررسی تولید دانش در حوزه آمایش سرزمین می‌پردازد. نوآوری اصلی مقاله در به‌کارگیری رویکرد تبارشناسی فوکویی برای کشف سوگیری‌های معرفت‌شناختی، گفتمان‌های مسلط، و روابط قدرت نهفته در مقالات یک مجله تخصصی است. برخلاف مطالعات رایج که صرفاً به توصیف آماری مقالات بسنده می‌کنند، این تحقیق با عبور از سطح توصیفی به تحلیل چرایی‌های ساختاری (مانند غلبه کمی‌گرایی، مرکزگرایی نهادی، تقلیل مفاهیم کلیدی) و چگونگی بازتولید نابرابری‌های فضایی از طریق تولید دانش علمی پرداخته است. این رویکرد امکان نقد رادیکال و بازخوانی انتقادی از دانش تولیدشده در یکی از مجلات اصلی این حوزه را فراهم ساخته است و الگویی روش‌شناختی برای بررسی انتقادی سایر نشریات علمی ارائه می‌دهد. با عنایت به خروجی و تحلیل انجام‌شده پیشنهادی زیر جهت بهبود کیفیت مجله آمایش سرزمین ارائه می‌شود:

- توسعه روش‌شناسی ترکیبی: طراحی و به‌کارگیری چارچوب‌های روش‌شناختی ترکیبی (کیفی-کمی) که هم عمق زمینه را درک کنند هم قابلیت تعمیم داشته باشند.
- تمرکز بر مناطق کمتر مطالعه‌شده: انجام مطالعات عمیق موردی در استان‌های مرزی، روستایی، و محروم (مانند سیستان و بلوچستان، کردستان، کهگیلویه و بویراحمد).

- مطالعات میان‌رشته‌ای رادیکال: همکاری با جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان، فیلسوفان، و هنرمندان برای کشف ابعاد پنهان آمایش (مانند حافظه مکانی، مقاومت محلی، زیبایی‌شناسی فضایی).
- تحلیل گفتمان انتقادی: بررسی گفتمان‌های حاشیه‌ای و مقاومت در برابر گفتمان مسلط تکنوکراتیک در اسناد آمایشی.
- پژوهش‌های تاریخی-تبارشناسانه: واکاوی تاریخی مفاهیم کلیدی آمایش (مانند «توسعه پایدار»، «تعادل منطقه‌ای») در اسناد برنامه‌ریزی ایران.

منابع

- اکبری، یونس؛ ایمانی جاجرودی، حسین و رستم‌علی‌زاده، ولی‌الله (۱۳۹۵). تحلیل و بررسی موانع آمایش سرزمین در ایران. *سیاست‌نامه علم و فناوری*، د ۶، ش ۳، ۵-۱۳.
- بهرامی‌جاف، ساجد؛ صالح‌آبادی، ریحانه و شیوارک، رحیم (۱۴۰۱). ارزیابی نقش تقسیمات کشوری در اجرای برنامه‌های آمایش سرزمین استان آذربایجان غربی. *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، س ۱۲، ش ۴۷، ۷۷-۹۴.
- ثامنی، امیر و زبردست، اسفندیار (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی تحقق‌پذیر آمایش سرزمین در ایران (نمونه موردی: دور چهارم مطالعات آمایش سرزمین). *مجلس و راهبرد*، س ۳۰، ش ۱۱۵، ۱۲۷-۱۶۲.
- جوان‌شیری، مهدی؛ نبیونی، سیروس و نامداززاده، مسلم (۱۴۰۱). آینده‌نگری توسعه منطقه‌ای و تحقق‌پذیری طرح‌های آمایش سرزمینی کشور (مطالعه موردی: استان خراسان رضوی). *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، س ۱۲، ش ۴۷، ۵۵-۷۶.
- حجازی، سید اسدالله و حبیب‌زاده، سایه (۱۴۰۳). فراتحلیل کیفی مقالات پژوهشی در حوزه برنامه‌ریزی آمایش سرزمین. *آمایش سرزمین*، د ۱۶، ش ۱، ۱۰۵-۱۲۴.
- ذکی، یاشار؛ افضل‌ی، رسول؛ مرادی، اسکندر و رنجبری، کمال (۱۳۹۸). عوامل اثرگذار بر رویکرد امنیتی در آمایش نواحی مرزی ایران (مطالعه موردی: نواحی مرزی استان کردستان). *جغرافیا*، ش ۶۲، ۴۱-۶۱.
- سجودی، مریم؛ زیاری، کرامت‌الله؛ پوراحمد، احمد و یاسوری، مجید (۱۴۰۱). بررسی طرح‌ها و برنامه‌های سطوح ملی، منطقه‌ای، و استانی بر اساس رویکرد منطقه‌ای (موردپژوهی: طرح‌های استان گیلان از منطقه یک آمایش سرزمین). *آمایش سرزمین*، د ۱۴، ش ۱، ۱-۲۴.
- شفیعی رودپشتی، میثم؛ رضایی، مهلا و رشیدنیا، فاطمه (۱۴۰۲). شناسایی چالش‌های گردشگری مناطق روستایی در دوره همه‌گیری کرونا، با رویکرد آمایش سرزمین (مطالعه موردی: روستای سولقان). *آمایش سرزمین*، د ۱۵، ش ۲، ۲۹۳-۳۰۶.
- قربانی، رامین؛ زیاری، کرامت‌الله؛ سجودی، مریم؛ فرهادی، ابراهیم و شاخوان، عبدالله‌حسین (۱۳۹۹). تحلیل برهم‌کنش کارکرد آموزش عالی و صنعت در ایران از منظر آمایش سرزمین. *آمایش سرزمین*، د ۱۲، ش ۲، ۴۷۰-۵۱۹.
- گودرزی، محسن و حاجیانی، ابراهیم (۱۴۰۲). آینده‌پژوهی اجرای اهداف سند ملی آمایش سرزمین. *آمایش سرزمین*، د ۱۵، ش ۱، ۱-۱۷.
- مختاری هاش، حسین؛ وزین، نرگس و عطایی، سپیده، (۱۳۹۸). راهبردهای آمایش مناطق مرزی در برنامه‌های اول تا پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، *مجله آمایش سیاسی فضا*، دوره ۱، شماره ۲، صص ۹۷-۱۰۴.
- Ellis, E.C. (2021). Land Use and Ecological Change: A 12,000-Year History. *Annual Review of Environment and Resources*, Vol. 12, 1-33.
- Regasa, M.Sh., Nones, M., and Adeba, D. (2021). A Review on Land Use and Land Cover Change in Ethiopian Basins. *Land*, Vol. 10, 1-18.
- Wang, G., LiuPing, D., & Jing, L. (2023). A study on the cognition of the regional types of rural revitalization from the perspective of land planning. *Journal of King Saud University Science*, 35(4), 100-111.